درس 29

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
امثال
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتابمقدس مشغول بوده‌ايد چه آموخته‌ايد (امثال 1، 3، 4، 5)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد، فقط يادداشت برداريد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: عظمت خدا
مرور. دو به دو مرور كنيد. عظمت خدا 5: خدا قادر مطلق است: ارميا 32:17

4 تعليم (90 دقيقه)
دوست شفاعت‌كننده + بيوه‌زن مُصِرّ
«مثل دوست شفاعت‌كننده» در لوقا 11:5ـ8 و «مثل بيوه‌زن مُصِر» در لوقا 18:1 ـ 8 مثل‌هايي دربارة دعاي جسورانه و مصرانه در ملكوت خدا مي‌باشند.

الف) مثل دوست شفاعت‌كننده

قرائت: لوقا 11:1ـ8

1ـ درك داستان طبيعي مَثَل
مقدمه: مَثَل‌ها با زبان مجازي بيان شده‌اند تا مفهومي روحاني تشريح شود. از اين رو، نخست به بررسي واژگان و پيشينة فرهنگي و تاريخي داستان مي‌پردازيم.
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟

يادداشتها: مسيح اين داستان را به صورت سؤال بيان مي‌كند. سؤالي كه مسيح مي‌پرسد و موقعيتي كه ترسيم مي‌كند، در آيات 5 الي 7 ذكر شده است، البته با تأكيد بر آيه 7. سپس مسيح در آيه 8 به اين سؤال پاسخ مي‌دهد.
الف) داستان دربارة سه دوست است. به‌منظور تشخيص آنها از يكديگر، يكي از آنها را «دوست نيازمند»، ديگري را «دوست درخواست‌كننده» كه ميزبان است و سومي را «دوست متمول» مي‌ناميم.
ب) دوست درخواست‌كننده يا ميزبان. آخر شب بود كه ناگهان سر زده يك دوست نيازمند در خانة او را زد. اين مهمان نيازمند در اثر مسافرت طولاني، خسته و گرسنه شده بود. او انتظار مهمان‌نوازي، غذا و مكاني براي خواب داشت. اما صاحبخانه، انتظار مهمان را نداشت. او هيچگونه آمادگي‌اي براي پذيرايي از مهمان نداشت و غذايي هم در خانه موجود نبود. در اين شرايط سخت او به خانه دوست متمولش مي‌رود. در اينجا صاحبخانه تبديل به يك دوست درخواست‌كننده مي‌گردد. شخص درخواست‌كننده از دوست متمولش مي‌خواهد كه به او سه قُرص نان قرض دهد. همچنين قول مي‌دهد كه روز بعد قرض خود را ادا كند.
ج) پاسخ ممكن از جانب دوست متمول. آيا دوست متمولِ شخص درخواست‌كننده به او پاسخ منفي داد؟ دوست متمول او قبلاً درِ خانه يك اطاقي خود را قفل كرده بود و به همراه خانواده‌اش خوابيده بود. اگر دوست متمول از جاي خود بلند مي‌شد و قدم زده، تير چوبي بزرگ چفت پشت در را بر مي‌داشت، سروصدا باعث از جا پريدن خانواده‌اش از خواب مي‌گرديد. به همين دليل دوست متمول گفت: «مرا زحمت مده... نمي‌توانم برخاست تا به تو دهم». در زندگي روزمره، چنين شخصي را دوست متمولي تلقي مي‌كنيم كه تمايلي به دادنِ نياز دوستش نداشت.
د) سه قرص نان. منظور از سه قُرصِ نانِ گرد و صاف پخته شده كه براي غذاي يك وعدة شخص كافي است، چيست؟

2ـ بررسي چارچوب آنيِ مَثَل و تعيين عناصر آن

مقدمه: چارچوب شامل «زمينة» مَثَل و «توضيح يا كاربردِ» آن مي‌گردد. زمينة مثل ممكن است بيانگر اين نكته باشد كه مثل به چه مناسبتي گفته شده، يا اينكه شرايط به‌هنگام گفته شدن آن به چه صورت بوده است. زمينه معمولاً قبل از مثل يافت مي‌شود و توضيح يا كاربرد، بعد از مثل.
كشف و بحث: زمينه، داستان، و توضيح يا كاربرد مَثَل چيست؟
يادداشتها:
الف) زمينه مثل در لوقا 11:1ـ4 يافت مي‌شود. يكي از شاگردان مسيح از او مي‌خواهد كه دعا كردن را به آنها تعليم دهد. سپس مسيح «دعاي رباني» را تعليم مي‌دهد. مقايسه كنيد با دعاي مسيح در متي 6؛ اين دعا در لوقا 11 كوتاهتر مي‌باشد. سومين و ششمين درخواستها در انجيل متي در درخواستهاي دوم و پنجم در انجيل لوقا بيان گرديده است. احتمالاً مسيح چندين بار دعاي رباني را به مردم تعليم داد. هدف و منظور مسيح اين نبود كه به مسيحيان حكم كند كه دقيقاً همان كلمات را هر بار كه دعا مي‌كنند، بيان كنند. دعاي مسيح در واقع يك الگو و نمونه است تا مسيحيان دعا نمايند. در اينجا، عيسي مسيح مثل دوست شفاعت‌كننده را بيان مي‌كند.
ب) داستان مثل در لوقا 11:5ـ7 يافت مي‌شود.
ج) توضيح يا كاربرد مثل در لوقا 11:8ـ13 يافت مي‌شود. پاسخ تلويحي مسيح در آيه 7 اين است كه «هيچ كدام از شما از دوستي متمول كه براي درخواست كمك به نزد او رفته‌ايد، چنين پاسخ منفي‌اي دريافت نخواهيد كرد». و پاسخ عملي مسيح در آيه 8 بسيار مناسب‌تر و بهتر است. دوست متمول بالاخره بر خواهد خاست و هر چه دوستش به آن نياز دارد، به او خواهد داد! انگيزه او امكان دارد اين باشد كه دوستي واقعي و دلسوز است، در غير اينصورت، او باز هم برخواهد خاست و آنچه دوست درخواست‌كننده‌اش مي‌خواهد به خاطر اصرار و سماجت او به وي خواهد داد! براي توضيح لوقا11:9ـ13 به ضميمه 1 رجوع كنيد. مسيح فرمود: «سؤال كنيد»؛ «بطلبيد»؛ «بكوبيد». هر سه فعل امري و زمان حال هستند. در نتيجه آنها بيانگر پافشاري، اصرار و سماجت مي‌باشند. بدين طريق مسيح به تأكيد خود بر تأثير دعا ادامه مي‌دهد. پيام اصلي از مثل دوست شفاعت‌كننده اين است كه خداي پدر زماني كه فرزندانش دعا مي‌كنند، آنها را مأيوس نمي‌كند! او به دعاهايي كه با ايمان و پافشاري همراه با «طلبيدن» و «كوبيدن» است، پاسخ مي‌دهد.

3ـ تعيين جزئيات مربوط و نامربوط در مثل
مقدمه: قصد عيسي اين نبود كه تمامي جزئياتِ مَثَل‌هايش‌داراي مفهوم روحاني باشند. جزئياتِ مربوط يا اصلي در داستانِ مثل آن دسته از جزئيات هستند كه درس اصلي مثل را استحكام مي‌بخشند. بنابراين، نبايد براي هر يكَ از جزئيات مثل، معناي روحاني مستقلي قائل شويم.
بحث: كداميك از جزئياتِ اين مَثَل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟
يادداشتها:
مسيح فقط يكي از جزئيات را توضيح مي‌دهد و آنهم جسارت مرد است.
الف) سه دوست جزو جزئيات مربوط مي‌باشند. آن سه دوست عبارت بودند از، دوست نيازمند، دوست درخواست‌كننده يا ميزبان و دوست متمول. اين سه دوست بيان‌كنندة وضعيت و چگونگي دعا مي‌باشند. «دوست نيازمند» بيان‌كنندة نيازي خاص است كه امكان دارد يك مسيحي با آن روبرو باشد، مخصوصاً نيازهاي پيش‌بيني نشده، كه مي‌تواند افراد نيازمندي باشند كه خدا سر راه شخص قرار مي‌دهد. «دوست درخواست‌كننده» معرف يك مسيحي است، يعني شما يا من. او شخصي است كه مي‌خواهد براي دوست نيازمندش در نيمه‌شب چون يك دوست واقعي عمل كند. او كسي است كه در زماني كه ديگران در خواب هستند به فكر رسيدگي به نياز ديگران است. و «دوست متمول» معرف خداي پدر است با اين تفاوت كه انگيزة دوست متمول در اين مثل انگيزة يك انسان زميني، معمولي و بي تمايل است، در حالي كه انگيزة خدا هرگز مورد شك و سؤال نيست.
ب) جسارت دوست درخواست‌كننده يكي از جزئيات مربوط است. اين تنها قسمتي است كه مسيح در مورد آن توضيح مي‌دهد. نه تنها در داستان بطور ضمني بيان شده است بلكه مخصوصاً قسمتي از درخواست مسيح است. «جسارت» به معني جسارت بي‌ترس، اصرار و سماجت با اطمينان، پافشاري و اصرار بدون شرم و خجالت است . يكبار ديگر آشكار است كه مَثَل يك موضوع يا پيام اصلي دارد. پيام اصلي اين است كه خداي پدر به دعاي مصرانه و جسورانة مسيحيان پاسخ مي‌دهد! تمام جزئيات ديگر مَثَل اين پيام اصلي را تقويت مي‌نمايند.

4ـ تشخيص پيام اصلي مثل
مقدمه: پيام اصلي مثل را مي‌توان يا در توضيح يا كاربرد مثل يافت، يا از خودِ داستان. از روشي كه خودِ عيسي براي توضيح يا كاربرد مثل به‌كار برد، مي‌توانيم پي ببريم كه مثل را چگونه بايد تفسير كنيم. هر مثل معمولاً فقط يك داستان اصلي يا يك نكتة اصلي دارد. بنابراين، نبايد در پي اين باشيم كه يك حقيقت روحاني از هر يك از جزئيات مثل بيابيم، بلكه بايد به‌دنبال درس اصلي مثل باشيم.
بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟
يادداشتها:
مثل دوست شفاعت‌كننده در لوقا 11:5ـ13 دربارة «دعاي مصرانه و جسورانه در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهد. پيام اصلي مثل عبارت است از: «حتي يك دوست زميني با هر انگيزه‌اي، زماني كه از او درخواست كمك مي‌نماييم، مسلماً به ما كمك خواهد كرد. اما پدر ما در آسمان، كه دربارة انگيزه او

نمي‌توان هيچ شك و ترديدي داشت، هميشه به دعاهاي مصرانه و جسورانة ما پاسخ مي‌دهد.» آيه 7 مي‌گويد: «ليكن بجهت لجاجت خواهد برخاست و هر آنچه حاجت دارد، بدو خواهد داد.» كلمه «لجاجت» را مي‌توان «جسارت بي‌ترس» «اصرار بااطمينان» يا «پافشاري بدون شرم و خجالت» ترجمه نمود. اين كلمه به معني درخواست كردن براي چيزي خاص با شجاعت و بدون هيچگونه احساس شرم يا ترس بر روي درخواست خود ايستادن و پافشاري كردن، مي‌باشد.

«دعاي مصرانه و جسورانه يا شفاعت» يكي از ويژگيهاي اصلي ملكوت خداست. شهروندان واقعي ملكوت خدا با جسارتِ بي‌ترس و اصرار با اطمينان و پافشاري بدون شرم و خجالت دعا يا شفاعت مي‌كنند (عبرانيان 4:16). با وجود اين، زماني كه شفاعت مي‌كنيم امكان دارد ببينيم كه در آمدن پاسخ تأخير يا مشكلي وجود دارد. امكان دارد خدا بگويد: «نمي‌توانم به تو هر چيز را بدهم» يا «نمي‌توانم آن را در اين لحظه به تو بدهم». زماني كه چنين امري اتفاق مي‌افتد، اطمينان و ايمان داشتن به اينكه خدا دعاهاي ما را مي‌شنود، كار آساني نيست. در اين زمان است كه ايمان ما مورد آزمايش قرار مي‌گيرد و ما بايد استقامت و پافشاري را بياموزيم. همانند ابراهيم در روميان 4:20ـ21، ما نبايد به دليل بي‌ايماني در وعدة خدا دچار شك گرديم. با اعتقاد كامل مي‌دانيم كه خدا قادر است آنچه وعده داده است، انجام دهد، و ما بايد بطلبيم، بطلبيم و باز بطلبيم. اين چيزي است كه خدا براي ما مي‌خواهد. خدا براي اعتماد و اطمينان ما به خودش ارزش بسيار بالايي قائل مي‌گردد و هر كاري را براي تربيت ما در بكارگيري اين اعتماد و اطمينان، انجام مي‌دهد. در زماني كه خدا در دادن پاسخ تأخير مي‌كند، يا زماني كه سكوت اختيار مي‌نمايد يا زماني كه به‌نظر مي‌رسد از دادن پاسخ امتناع مي‌كند، مسيحياني كه دست از اصرار و طلبيدن نمي‌كشند بركت خواهند يافت. همچنين بركت الهي بر مسيحياني خواهد بود كه ايمان دارند خدا قادر است آنچه وعده داده است به جا آورد. چنين ايماني، زماني كه نيازي وجود دارد نه تنها از خود استقامت نشان مي‌دهد بلكه بدون هيچگونه شرم و خجالتي اصرار و پافشاري مي‌نمايد و در بدست آوردن آنچه نياز دارد شكست نخواهد خورد.

5ـ مقاسه مثل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب‌مقدس

مقدمه: بعضي از مثل‌ها مشابه يكديگرند و قابل مقايسه مي‌باشند. اما حقيقت موجود در تمام مثل‌ها با حقيقتي كه در ساير قسمت‌هاي كتابمقدس تعليم داده شده، يا داراي تشابه است يا تضاد. سعي كنيد مهم‌ترين قسمت‌هاي قابل مقايسه را كه ما را در تفسير مثل ياري مي‌دهند، بيابيد. هميشه تفسير مثل را با تعليم مستقيم و واضح كتاب‌مقدس محك بزنيد.

كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌توان با تعليم موجود در اين مثلِ مقايسه كرد؟

الف) قرائت: عبرانيان 4:16

يادداشتها: «پس با دليري نزديك به تخت فيض بياييم تا رحمت بيابيم و فيضي را حاصل كنيم كه در وقت ضرورت (ما را) اعانت كند.» تمام مسيحيان مي‌توانند با اطمينان و آزادي به حضور خدا نزديك شوند. مسيحيان تشويق شده‌اند كه با اطمينان به تخت فيض خدا نزديك گردند. در آنجا آنها رحمت و بخشايش گناهان را خواهند يافت. در آنجا فيضي را كسب خواهند نمود كه در زمان نياز به آنها كمك خواهد كرد (مقايسه كنيد عبرانيان 11:6).

ب) قرائت: متي 6:7

يادداشتها: عيسي مسيح هشدار مي‌دهد كه: «چون عبادت كنيد، مانند امت‌ها تكرار باطل مكنيد»، اين تكرار باطل همان اصرار در دعا يا دعاي مصرانه نمي‌باشد. اين تكرار كلمات نيست، بلكه ايماني است كه در طلبيدن جسورانه و مصرانه كه بسيار مهم است، تجلي مي‌يابد.

6ـ خلاصه تعاليم اصلي مثل

بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثل چيست؟ عيسي مي‌خواهد چه چيزي را بدانيم يا به آن ايمان بياوريم؛ او مي‌خواهد كه ما چه باشيم يا چه بكنيم؟

يادداشتها:

مثل دوست شفاعت‌كننده، حقايق بسيار مهمي را در مورد دعا يا شفاعت مسيحيان تعليم مي‌دهد.

الف) دوست درخواست‌كننده مي‌بايد نياز فوري را تشخيص داده و ببيند. ريشه شفاعت در ديدن و تشخيص دادن نياز فوري مردم است. دوست نيازمند، گرسنه بود و چيزي براي خوردن نداشت. همچنين در آن موقع شب نمي‌توانست نان بخرد. اگر مي‌خواهيم ياد بگيريم براي ديگران چگونه دعا كنيم، مي‌بايد چشمان و گوشهاي خود را نسبت به نيازمنداني كه در اطراف ما هستند باز نماييم. به عنوان يك مورد از تشخيص نيازهاي انسانهايي كه در اطراف ما هستند، مسيحيان بايد بدانند كه از نظر روحاني، ميلياردها نفر غير مسيحي هستند كه در تاريكي گناه، غفلت و بي‌تفاوتي زندگي مي‌كنند. آنها به دليل غفلت و عدم آگاهي از نجاتي كه در مسيح عيسي مهيا شده است، هلاك مي‌گردند. علاوه بر اين مسيحيان بايد بدانند كه از نظر جسم، ميليونها مسيحي وجود دارد كه دچار سوء تغذيه بوده، مورد فراموشي و جفا قرار گرفته و يا از نظر روحاني زندگي آنها مريض و بي ثمر است، دقيقاً شبيه گوسفندان بي شبان. بسياري از اين انسانهاي نيازمند در شهر ما و در اطراف ما زندگي مي‌كنند. هيچ چيز و باز هم هيچ چيز جز دعا كردن نزد خدا براي كمك، مفيد و سودمند نخواهد بود.

ب) دوست درخواست‌كننده مي‌بايد دوست نيازمند خود را بدون هيچ گونه خود خواهي دوست داشته باشد. ميزبان يا دوست درخواست‌كننده در آن نيمه شب دوست واقعي بود. او نه تنها دوست خسته و گرسنه خود را به داخل خانه خويش برد، بلكه به قلب خود راه داد. او با گفتن: «من چيزي در خانه

ندارم» عذر و بهانه‌اي نياورد. نه، در نيمه شب زماني كه همة مغازه‌ها بسته بودند و همه در خواب بودند، او براي يافتن راهي به‌منظور كمك به دوست نيازمند خود به بيرون رفت. او خواب خويش و راحتي خانة گرم خود را قرباني كرد. كلام خدا مي‌فرمايد: «محبت نفع خود را طالب نمي‌شود». محبت مسيحي براي يافتن ديگران خود را فراموش مي‌كند. محبت نيازهاي ديگران را همچون نياز خود در نظر مي‌گيرد. دقيقاً به همان صورتي كه مسيح عمل نمود، محبت شادي و خوشي واقعي را در زندگي كردن و مردن براي ديگران مي‌بيند.

ج) دوست درخواست‌كننده عدم توانايي خود را براي كمك تشخيص داد. دوست درخواست‌كننده خيلي مشتاق بود كه آنچه دوست نيازمندش به آن محتاج بود به او بدهد، اما هيچ چيزي براي دادن نداشت! او نه قدرتي و نه ثروتي داشت. او خودش در فقر و ناتواني بود! اين احساس عدم توانايي براي كمك بود كه باعث شد به بيرون رفته و درخواست قرض نمايد. او فقر و عدم توانايي خود را نزد دوست متمول خود اعتراف نمود. او گفت: «يكي از دوستان من از سفر بر من وارد شده و چيزي ندارم كه پيش او گذارم». اين احساس عدم توانايي بود كه باعث شد او دعا و شفاعت كند. چنين آگاهي از «چيزي نداشتن» باعث قوي‌تر شدن شفاعت مي‌گردد. به عنوان يك مورد، فقط اعتقاد و عقيده به اين كه براي نجات مردم از گناه و داوري، قدرت مافوق طبيعي خدا نياز است، ما را تشويق به شفاعت مي‌نمايد. اين احساس كه هر آنچه ما مي‌توانيم براي نجات مردم انجام دهيم، كاملاً ناكافي است، ما را براي شفاعت كردن تحريك و تشويق مي‌نمايد. درك اين حقيقت كه فقط خدا مي‌تواند به انسانها حيات و رشد روحاني ببخشد، ما را براي التماس و شفاعت نزد خدا مي‌فرستد. به نظرِ دوست درخواست‌كننده، شفاعت كردن تنها اميد او براي يافتن كمك بود، تنها راهي كه مي‌توانست محبت خود را نسبت به دوست نيازمندش نشان دهد. اين هشداري است براي خادمين مسيحي كه فكر مي‌كنند مي‌توانند به قدرت و حكمت خويش كار و خدمت نمايند. دقيقاً همان زمان، وقت تشويق نمودن خادمين مسيحي‌اي است كه احساس ضعف مي‌نمايند. ضعيف‌ترين و بي‌تجربه‌ترين مسيحيان مي‌توانند با دعا از خداي قادر مطلق بركت بيابند.

د) دوست درخواست‌كننده بايد باور مي‌داشت كه دوست متمولش كمك خواهد نمود. چيزي را كه دوست درخواست‌كننده نداشت، دوست ديگرش مي‌توانست مهيا كند. دوست درخواست‌كننده، دوست ديگري داشت كه در نزديكي او زندگي مي‌كرد، دوستي كه او مي‌دانست هم توانايي دادن نيازش را دارد و هم تمايل آن را. او مطمئن بود كه اگر فقط بخواهد، دريافت خواهد نمود. بنابراين در نيمه شب به خانه دوست متمول خود رفت تا از او نياز خود را درخواست كند. دوست متمول ما هيچ كس جز خداي قادر مطلق نيست. او به تمامي مسيحيان بسيار نزديك است. كتاب‌مقدس پر از وعده‌هايي مبني بر اين حقيقت است كه خدا دعاهاي ما را مي‌شنود و اينكه خدا هم قادر است و هم مايل است كه آنچه به آن نياز داريم به ما ببخشد. همچنين شهادت‌هاي بسياري از مسيحيان ما را تشويق مي‌كند كه ايمان داشته باشيم كه آنچه ما نمي‌توانيم براي افراد نيازمند انجام دهيم، خدا مي‌تواند و مي‌خواهد كه در پاسخ به شفاعت ما انجام دهد.

ه) دوست درخواست‌كننده مي‌بايد با دليري و اصرار دعا كند. دوست درخواست‌كننده از دوست متمول خود درخواست كمك نمود: «اي دوست، سه قرص نان به من قرض بده». بهر حال، ايمان دوست درخواست‌كننده با يك آزمايش و مانع ناگهاني و دور از انتظار روبرو شد: دوست متمول او از كمك كردن امتناع كرد! دوست متمول گفت: «مرا زحمت مده...نمي‌توانم برخاست تا به تو دهم». قلب مهربان دوست درخواست‌كننده چقدر كم روي اين نااميدي حساب مي‌كرد. اما دوست درخواست‌كننده تصميم گرفت كه اين شكست باعث دلسردي و تسليم شدنش نگردد. در نتيجه بر درخواست خود اصرار ورزيد: «دوست محتاجي دارم، شما متمول هستيد و من دوست شما هستم، لطفاً به من كمك كنيد!» دوست درخواست‌كننده از پذيرفتن جواب رد امتناع كرد و به جاي آن با اصرار و دليري به درخواست خود ادامه داد. او به كوبيدن دَر خانة دوست متمول خود ادامه داد و دست از درخواست خود نكشيد. محبت او نسبت به دوست نيازمندش مي‌بايد پيروز مي‌گرديد!

و) دوست درخواست‌كننده مي‌بايست مطمئن باشد كه دوست متمولش كمك خواهد كرد. مسيح فرمود: «به شما مي‌گويم هر چندبه علت دوستي برنخيزد تا بدو دهد ليكن به جهت لجاجت خواهد برخاست و هر آنچه حاجت دارد بدو خواهد داد». اگر فقط به امانت و وفاداري خدا ايمان داشته باشيم، آن وقت شفاعت به‌هنگام جستجوي كمك براي ديگران، اولين كاري است كه انجام مي‌دهيم. همچنين نداشتن وقت، آخرين چيزي خواهد بود كه در امر شفاعت به فكرش خواهيم افتاد. شفاعت عملي است دشوار، اما هم لذت‌بخش است و هم اميدبخش. چرا كه در تمام طول زماني كه شفاعت مي‌كنيم، مي‌دانيم كه خدا در زمان مناسبش پاسخ خواهد داد. عيسي مسيح فرمود: «هر آنچه حاجت دارد بدو خواهد داد». بنابراين نااميدي و يأس غيرممكن خواهد بود. زماني كه صرف دعا مي‌گردد پر ثمرتر از زماني خواهد بود كه صرف كار مي‌گردد! دعا، خدمت و عمل، شما را مفيد و پر ثمر مي‌گرداند. دعا مجرايي را براي خدا مي‌گشايد تا خدا، هم در خود ما و هم از طريق ما عمل نمايد. از طريق دعا از همراهي حضور و قدرت خدا با خود مطمئن مي‌گرديم. راز خدمت پر ثمر و مؤثر اين است كه اول از خدا بيابيم و بعداً به مردم بدهيم. بين عدم توانايي ما و قدرت مطلق خدا، شفاعت، پل ارتباطي مباركي است.

نتيجه: ويژگي‌هاي درخواست‌كننده واقعي عبارت است از: درك و شناخت نيازهاي مردم؛ داشتن محبتي مسيح‌گونه براي برطرف كردن اين نيازها؛ آگاهي از عدم توانايي خويش براي بر طرف كردن اين نيازها؛ ايمان به خداي قادر مطلق كه هم مي‌خواهد و هم مي‌تواند به دعا پاسخ دهد؛ دليري و اصرار در طلبيدن با وجود مشكلات؛ و اطمينان به اينكه خدا در زمان خود پاسخ خواهد داد.

ب) مثل بيوه‌زن مُصِرّ

قرائت: لوقا 18:10ـ18

1ـ درك داستان طبيعي مثل
بحث: چه عناصري در داستان مطابق واقعيات زندگي روزمره‌اند؟
يادداشتها:
الف) قاضي. قاضي‌ها بيشتر راغب هستند كه در شهرهاي بزرگ سكونت داشته باشند تا شهرهاي كوچك. اين قاضي ضد خدا و ضد مردم بود: او نه ترسي از خدا داشت و نه باكي از مردم. او فقط به فكر خودش بود و بس. هرگز از خود نمي‌پرسيد كه: «خدا از من مي‌خواهد چه كاري را انجام بدهم؟» يا «معمولاً چه چيزي مردم را راضي مي‌كند و چه چيزي ناراضي؟» او قاضي‌اي بود بدون هيچگونه دلبستگي‌اي نسبت به عدالت و دلسوزي‌اي نسبت به مظلومان و محرومان.
ب) بيوه‌زن. بيوه‌زن تصويري از يك شخص مظلوم و درمانده است. در كتاب‌مقدس بيوه‌زنها به‌عنوان افرادي محروم و اغلب مظلوم به تصوير كشيده شده‌اند.
ج) رويارويي. با اين بيوه‌زن ناعادلانه رفتار شده بود. شايد شخصي ستمكار، دارايي اندكي را كه داشت از او به زور گرفته و يا مانع رسيدن او به حقش شده بود. بيوه‌زن با اين اميد پيش قاضي رفت كه ادعاي او را تصديق كند و حقش را كه به او بازگرداند. با وجود اين، قاضي خشن، بي رودربايستي از انجام هر كاري براي او امتناع ورزيد. بيوه‌زن با نا اميدي بسوي خانه آمد چرا كه مي‌دانست مورد او برحق بود.
د) سماجت و اصرار بيوه‌زن. از قرار معلوم قاضي مي‌دانست كه مورد بيوه‌زن برحق است. از طرف ديگر مي‌دانست كه او توانايي دادن رشوه را ندارد و علاوه بر اين نفوذ و آشنايي سرشناسي هم در شهر ندارد. بعد از گذشت مدت كوتاهي، بيوه‌زن دوباره بخت خود را امتحان كرد، اما نتيجه همان بود. اما بيوه‌زن از تلاش خود دست نكشيد! در نتيجه او دوباره، دوباره و باز هم دوباره، دعوي خود را براي اجراي عدالت به نزد قاضي بي‌انصاف برد. بالاخره قاضي از شكايت‌هاي آن زن به‌ستوه آمد. در نتيجه با خود گفت: «چون اين بيوه‌زن مرا زحمت مي‌دهد، به داد او مي‌رسم، مبادا پيوسته آمده مرا به رنج آورد». آن چيزي كه در نهايت قاضي را مغلوب كرد، اصرار و سماجت بيوه‌زن بود!

2ـ بررسي چارچوب آني مَثَل و تعيين عناصر آن.
كشف و بحث: زمينه، داستان و توضيح يا كاربرد مثل چيست؟
يادداشتها:
الف) زمينه مثل در لوقا 17:20ـ37 و لوقا 18:1 يافت مي‌شود. مسيح با شاگردان خود در حال صحبت كردن دربارهٔ زمانهاي طولاني و سخت قبل از بازگشت خويش بود. مسيحيان به جاي باختن خويش مي‌بايد در دعا اصرار و استقامت داشته باشند. مسيح مثل قاضي بي‌انصاف را براي تعليم دادن دربارهٔ استقامت و اصرار در دعا بيان كرد.
ب) داستان مثل در لوقا 18:2 ـ 5 يافت مي‌شود.
پ) توضيح يا كاربرد مثل در لوقا 18:6 ـ 8 بيان شده است.

3ـ تعيين جزئيات مربوط و نا مربوط در مثل
بحث: كدام يك از جزئيات اين مثل واقعاً اصلي يا مربوط مي‌باشند؟
يادداشتها:
الف) قاضي بي‌انصاف. قاضي شرير و بي‌انصاف و خدا دقيقاً مخالف يكديگر هستند. قاضي شرير به فكر هيچ كس جز خودش نيست، اما خدا به فكر مسيحيان است. قاضي شرير قبل از اينكه بالاخره كمكِ درخواستي را براورده سازد، كار را به تأخير و تعويق مي‌انداخت، در حالي كه خدا فوراً مراقب است كه مسيحيان عدالت را كسب كنند!
عيسي مسيح مثل قاضي بي‌انصاف را به‌منظور برجسته كردن تضاد با خداي عادل به‌كار برد! هدف او تأكيد بر اين حقيقت بود كه بطور قطع و مسلم خدا به دعا پاسخ خواهد داد. اين چنين مسيح مي‌خواست ما را تشويق نمايد ايمان داشته باشيم كه خدا در زمان مقرر بر هر مانعي غلبه خواهد كرد.
ب) سماجت و اصرار بيوه‌زن. مسيح فرمود: «بيوه‌زني بود كه پيش وي آمده مي‌گفت داد مرا از دشمنم بگير». اين تنها قسمتي است كه مسيح براي آن اهميت اساسي قايل مي‌گردد. در آيه اول، مسيح مي‌گويد كه اين مثل معرف مسيحياني است كه «مي‌بايد هميشه دعا كنند و كاهلي نورزند». در آيه 7 او توضيح مي‌دهد كه اين مثل معرف مسيحياني است كه «شبانه روز به خدا استغاثه مي‌كنند». سماجت و مزاحمت بيوه‌زن براي قاضي بي‌انصاف بيان‌كننده دعاي مصرانه و با جسارت مي‌باشد! بهر حال اين جسارت و پافشاري در دعا نيست كه باعث ايمان بيشتر مي‌گردد، بلكه ايمان به خداست كه در حقيقت هدايت‌كننده بسوي جسارت و اصرار بيشتر در دعا مي‌باشد.
در اين مثل، عيسي مسيح شخصيت خداي قدوس و بامحبت و قادر مطلق را در آسمان با يك قاضي شرير، خودخواه و به همان نسبت ناتوان در زمين مقايسه مي‌كند. به همين دليل است كه مسيح پرسيد آيا ايمان را بر زمين خواهد يافت؟ يعني آن ايماني كه باور دارد كه خدا با آن قاضي شرير زميني متفاوت

است! آن ايماني كه باور دارد اگر شخصي با جسارت و اصرار دعا نمايد خدا فوراً وارد عمل مي‌گردد. آن ايماني كه خود را در دعاي مصرانه و با جسارت، شبيه ايمان بيوه‌زن، متجلي مي‌سازد. عيسي مسيح مي‌خواهد كه هر شخص خود را بسنجد و ببيند كه آيا چنين ايماني دارد؟ آيا واقعاً باور دارد كه خدا به دعاي جسورانه و مصرانه فوراً پاسخ مي‌دهد.

4ـ تشخيص پيام اصلي مثل
بحث: پيام اصلي اين مثل چيست؟
يادداشتها:
مثل بيوه‌زن مُصِرّ در لوقا 18:1ـ8 دربارة «دعاي مصرانه و جسورانه در ملكوت خدا» تعليم مي‌دهد. پيام اصلي مثل عبارت است از: «حتي يك قاضي بي‌انصاف، خودخواه و به‌نسبت ناتوان بر روي زمين را مي‌توان تحريك نمود كه در آخر حق بيوه‌زن مُصِرّ را بدهد. خداي كاملاً عادل، با محبت و قادر مطلق در آسمان مي‌تواند، مي‌خواهد و مشتاق است كه وقتي مسيحيان با دليري و اصرار دعا مي‌كنند، بيشتر از آنچه حقشان است، براي آنها انجام دهد.» آيا خداي قادر مطلق و با محبت همانند قاضي بي‌انصاف و شرير، دعا و درخواست مسيحيان را به بعد موكول مي‌كند و به تعويق مي‌اندازد؟ مسيح فرمود، نه! خدا دقيقاً بر عكس قاضي بي‌انصاف بوده، و سريعاً عمل مي‌كند و مراقب است كه آنها عدالت را كسب نمايند! اين حقيقت مي‌بايد باعث تشويق و تقويت ايمان مسيحيان گردد. خدا مطمئناً به مسيحياني كه با اصرار و سماجت دعا مي‌كنند، پاسخ خواهد داد (مقايسه كنيد عبرانيان 11:6). سپس مسيح اين مثل را با درخواستي سؤال‌گونه كه شخص را به مبارزه دعوت مي‌كند پايان مي‌دهد: اين سؤال به‌منظور حدس و گمان بيان نگرديد، بلكه به‌منظور امتحان و آزمايش خويشتن. «ليكن چون پسر انسان آيد آيا ايمان را بر زمين خواهد يافت؟» آن ايماني كه همانند ايمان بيوه‌زن در دعا از خود اصرار و جسارت نشان مي‌دهد؟ عيسي مسيح مي‌خواست هر شخص مسيحي خود را امتحان كرده و ببيند آيا واقعاً ايمان دارد كه اگر با اصرار و سماجت دعا كند، خدا فوراً وارد عمل مي‌گردد.
«دعاي مصرانه و جسورانه» يكي از ويژگيهاي بنيادين ملكوت خداست. قوم حقيقي ملكوت خدا در زمانهاي مشخصي با «جسارت بدون ترس»، «اصرار با اطمينان» و «پافشاري بدون شرم و خجالت» دعا خواهند كرد.

5ـ مقايسة مثل با قسمتهاي مشابه و متضاد در كتاب مقدس
الف) قرائت: خروج 22:22ـ23؛ تثنيه 10:18؛ مزمور 65:5
كشف و بحث: تعليم موجود در اين قسمت‌ها را چگونه مي‌توان با تعليم موجود در اين مثل مقايسه كرد؟
يادداشتها:
اگر مردم جهان از انسانهاي محروم همچون اين بيوه‌زن يا يتيمان سوء استفاده نمايند و آنها نزد خدا فرياد مظلوميت برآرند، آنگاه مسلماً خدا شنيده و عمل خواهد نمود! خدا كه قادر مطلق و مهيب است، خدايي كه هيچ جانبداري نمي‌كند و رشوه نمي‌پذيرد، از يتيمان و بيوه‌زنان حمايت مي‌كند. او پدر يتيمان و حامي بيوه‌زنان است. به همين صورت خدا از مسيحياني كه با اصرار و جسارت دعا مي‌كنند مواظبت مي‌نمايد.

ب) قرائت : ارميا 31:3؛ لوقا 10:20؛ يوحنا 6:44ـ 37؛ اعمال 13:48؛ روميان 8:28ـ30؛ 9:6ـ21؛ 11:1ـ8؛ افسسيان 1:4؛ دوم تسالونيكيان 2:13ـ14؛ دوم تيموتاؤس 1:9ـ10؛ اول پطرس 1:1ـ2؛ 2:4ـ10؛ مكاشفه 7:3؛ 13:8.
كشف و بحث: چه اشخاصي منتخبين خدا هستند؟
يادداشتها:
برگزيدگان خدا عنواني است كه بيان‌كننده ايمانداران حقيقي به عيسي مسيح مي‌باشد. خدا مطمئناً اجازه نخواهد داد كه برگزيدگانش بيفتند! قبل از بنياد نهادن جهان، خدا مقتدرانه آنها را براي نجات و خدمت، براي جلال خويش انتخاب كرد. او آنها را با محبت ازلي دوست داشت. بنابراين او اطمينان كسب مي‌كند كه حق ايشان ادا شود! او به دعاهاي مصرانه و جسورانة آنها پاسخ داده، آنها را عادل مي‌نمايد.

ج) قرائت: مزمور 34:18ـ19؛ اشعيا 43:2؛ روميان 8:28؛ 1قرنتيان 10:3؛ 2قرنتيان 4:17.
كشف و بحث: چه وعده‌هايي را خدا قبل از بازگشت پسر خود به انجام خواهد رسانيد؟
يادداشتها: خداوند ما را از تمامي مشكلات رهايي خواهد داد و در زمان سختيها و جفاها كه همچون رودخانه‌اي طوفاني و يا آتشي سوزان است، در كنار ما مي‌باشد. در تمامي شرايطي كه با آن روبرو هستيم، براي خيريت ما عمل مي‌كند. اجازه نخواهد داد كه فوق از طاقت خويش مورد آزمايش قرار گيريم و علاوه بر اين، راهي براي رهايي از آن آزمايش براي ما تدارك مي‌بيند. مشكلات زودگذر و ساده‌اي كه با آنها روبرو هستيم، ما را براي جلال جاوداني كه از هر چيز ديگري با ارزشتر است، آماده مي‌سازد. بنابراين با ايمان دعا كنيد، ايماني كه خود را در جسارت و استقامت متجلي مي‌سازد.
6ـ خلاصة تعاليم يا پيامهاي اصلي مثلهايي دربارة دعاهاي جسورانه و مصرانه در ملكوت خدا
بحث: تعاليم يا پيامهاي اصلي مثلها دربارة دعاي مصرانه در ملكوت خدا چيست؟
چه چيزهايي را عيسي مسيح به ما تعليم مي‌دهد كه آنها را بدانيم يا باور كنيم و چه چيزهايي را تعليم مي‌دهد كه انجام دهيم يا آنطور باشيم؟
يادداشتها:

يادگيري اصرار و جسارت در دعا آنقدر براي ما مهم و ضروري است كه خداوند عيسي مسيح در انجيل سه مثل در ارتباط با آن بيان مي‌كند. مثل «درخواست پسر» در متي 7:7ـ12، مثل «دوست شفاعت‌كننده» در لوقا 11:5ـ8 و مثل «بيوه‌زن مُصِرّ» در لوقا 18:1ـ8. در اين مثلها مسيح به ما تعليم مي‌دهد كه دعا امر ساده‌اي نمي‌باشد و مي‌بايد انتظار مشكلاتي را نيز داشت، كه فقط از طريق اصرار و پافشاري جسورانه و عزم راسخ و ايستادگي، مغلوب خواهد شد. مسيحيان مي‌بايد در هنگام دعا انتظار مشكلات را نيز داشته باشند.

الف) در ارتباط با دعا مشكلي از جانب ما وجود دارد.
مشكل ما در ارتباط با دعا در اشعيا 59:1ـ2 خلاصه شده است: «خطاياي شما در ميان شما و خداي شما حايل شده است و گناهان شما روي او را از شما پوشانيده است تا نشنود.»
در مورد پاسخ خدا به دعا، گناهان ما بين خدا و ما مانع گرديده است. مشكل در ارتباط با دعا از جانب ما مي‌باشد.
مشكل ديگر در ارتباط با دعا، در مثل «درخواست پسر» بيان شده است (متي 7:7ـ12، ر.ش. ضميمه 1). اگر چه خدا مايل و قادر است كه آنچه در دعا از او مي‌طلبيم به ما ارزاني دارد، اما عدم تمايل ما براي سؤال كردن (دعا)، طلبيدن (عمل) و كوبيدن (اصرار و سماجت كردن) همچون مانعي بين ما و خدا قرار گرفته است. باز هم مشكل در ارتباط با دعا از جانب ما مي‌باشد.

ب) در ارتباط با دعا مشكلي در قلمرو و حوزه اطراف ما وجود دارد.
در افسسيان 6:12 نوشته شده: «زيرا كه ما را كشتي گرفتن با خون و جسم نيست بلكه با رياستها و قدرتها و جهان داران اين ظلمت و با فوجهاي روحاني شرارت در جايهاي آسماني». جنگها و مشكلاتي در قلمروهاي آسماني وجود دارد كه بايد مغلوب گردند.

ج) در ارتباط با دعا مشكلي از جانب خدا وجود دارد.
در مثل دوست شفاعت‌كننده و در مثل بيوه‌زن مُصِرّ، عيسي مسيح مشكلي را در مورد پاسخ دادن به دعا بيان مي‌كند كه از جانب قاضي بي‌انصاف و دوست بي‌تفاوت و حتي بي‌تمايل مي‌باشد و نه از جانب شخصي كه درخواست مي‌كند. علت آن اين است كه مسيح مي‌خواست اين مثالهاي ناقص زميني را با خداي كامل در آسمان مقايسه كنيم تا باعث تشويق ما به داشتن ايماني گردد كه باور نموده با جسارت و اصرار مي‌تواند بر هر مانعي غالب گردد.
اما مشكل ما در دعا در همان زمان تبديل به مشكل خدا در پاسخ دادن مي‌گردد. حكمت، عدالت، و محبت او اجازه نمي‌دهد كه به ما چيزي را ببخشد كه اگر آن را خيلي زود و راحت دريافت كنيم، ممكن باشد به ما صدمه بزند. گناه و عواقب آن اغلب براي خدا پاسخ دادن فوري را غير ممكن مي‌سازد (مزمور 66:ـ 18؛ يعقوب 4:2ـ3). شكستن قدرت گناه در زندگي خودمان (مزمور 32:1ـ5) يا زندگي اشخاصي كه براي آنها دعا مي‌كنيم (دانيال 9:1ـ23)، جنگ دعا را تبديل به امري واقعي مي‌گرداند (كولسيان 4:12ـ13). زماني كه از خدا درخواست مي‌كنيم كه موانع شناخته شده و ناشناخته را برداريد، دعاهاي مصرانة ما، ما را در موقعيت شكستگي و بي‌پناهي در حضور خدا قرار مي‌دهد (مزمور 51:1ـ17). تسليم شدن ما به خدا موافقت قلبي ما با خواست و ارادة خدا نه تنها باعث رشد ايمان ما در تصاحب وعده‌هاي خدا مي‌گردد، بلكه در همان زمان بر موانعي كه در ما يا در خدا وجود دارد غلبه مي‌نمايد. وقتي خدا بر ما غلبه مي‌كند، ما در دعاهايمان غلبه مي‌يابيم؛ و وقتي خدا بر ما پيروزي مي‌يابد، ما نيز در دعاهايمان پيروز مي‌گرديم!
د) مزاياي دعاي مصرانه و جسورانه بسيار زياد است.
ممكن است چنين احساس كنيم كه فرمان خدا مبني بر دعا كردنِ با جسارت و اصرار، غير معقول و يا حداقل غير قابل درك است. اما در زندگي جسماني، تكرار تمرينهاي ورزشي باعث قوي شدن و رشد ماهيچه‌ها، كار سخت باعث افزايش قدرت عمل و استقامت، و مشكلات باعث رشد شخصيت مي‌گردد. در امر آموزش و تعليم، غلبة روزانه بر مسائل عقلاني باعث رشد بينش و حكمت مي‌گردد. در رويارويي و غلبه يافتن بر مشكلات است كه فضايل و كمالات انساني ما كشف مي‌گردند. در زندگي روحاني نيز دقيقاً همان اصل برقرار مي‌باشد. اگر يك مسيحي فقط درخواست كند و فوراً دريافت كند و برود، متحمل شكست و زيان خواهد شد. مشكلاتي كه در خود ما، در اشخاصي كه براي آنها دعا مي‌كنيم و مشكلاتي كه در قلمروهاي آسماني وجود دارد از ما دعوت مي‌كند كه با اصرار و جسارت دعا كنيم. در جنگ مصرانة دعاست كه بسياري از بركات روحاني را كسب مي‌نماييم. در جنگ دعاست كه مي‌فهميم شادي ما از مشاركت با خدا و ايماني كه داريم چقدر كم است و چقدر كم اجازه مي‌دهيم كه روح‌القدس زندگي ما را كنترل و هدايت نمايد. دعاي مصرانه، باعث مي‌گردد تا ضعف و بي ارزشي خود را درك كنيم. در دعاي مصرانه، خواست و ارادة ما قوي شده و نيكويي‌هايمان مصلوب مي‌گردند. همچنين در دعاي مصرانه فيض الهي را براي زندگي كردن براي جلال خدا، ايمان به وعده‌هاي خدا و توكل و اعتماد به قدرت خدا را مي‌آموزيم. بنابراين مشكل ما در دعاي مصرانه تبديل به بزرگترين مزيت و امتياز براي ما مي‌گردد، چرا كه غلبه و پيروزي بر مشكلات باعث بركات غني‌تر در زندگي ما مي‌شود.

5 دعا (8 دقيقه)

دعاي واكنشي
در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.
يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)
براي جلسه بعد
(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه مثلهاي «دوست درخواست‌كننده و بيوه‌زن مُصِرّ» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- اوقات خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از امثال 6، 7، 8، 10 را بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: آيه‌هاي حفظي دورة عظمت خدا 1 تا 5 را مرور كنيد (روزي يك آيه).
- آمادگي: مطالعة كتابمقدس از روميان 8: 1ـ17 . از روش «پنج گام» استفاده كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببنيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.